

کار کودک در نظام حقوق خانواده ایران از منظر ایجابی و سلبی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۱۱

عاطفه عباسی کلیمانی^۲

فاطمه عباسیان آرانی^۳

محمدحسین شهبازی^۴

چکیده

مصالح طفل اقتضای حمایت مادی و معنوی کامل از وی را از سوی دولت و والدین می‌طلبد. پژوهش حاضر ضمن بررسی علل و پیامدهای کار کودک و ابعاد سلبی کار کودک، به جنبه نوآورانه کار کودک در بعد ایجابی نیز می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش بررسی افتراقی پدیده «کودک کار» از «کار کودک» می‌باشد. بعد سلبی ممنوعیت پدیده کودک کار که در قوانین داخلی، بین‌المللی، منابع و آرای فقهی نهی شده و بعد ایجابی کار کودک به طوری که در صورت رعایت مصالح طفل جایز است او را در مشاغل مناسب، جهت آموزش و درآمدزایی به کار گمارد. این پژوهش با روش توصیفی از نوع تحلیل کیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، درصدد پاسخ به این پرسش است که آیا نظام حقوقی ایران ممنوعیت مطلق کار کودکان را پذیرفته یا ملاک فقهی-حقوقی «ضرر» مورد توجه نظام حقوقی ایران بوده است؛ چرا که به موجب قانون حمایت از اطفال، بهره‌کشی اقتصادی در صورتی است که گماردن طفل به کاری باشد که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی برای وی مضر یا خطرناک باشد. مستنبط از منابع قانونی و فقهی موجود، به کار گماردن طفل یا نوجوان در جایی که برای او مضر نباشد، جایز است.

کلیدواژه‌ها

کار کودک، دولت، خانواده، نفقه، بهره‌کشی اقتصادی.

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع) با عنوان کار کودک در

نظام حقوق خانواده ایران می‌باشد.

Atefehabbasi.isu.ac.ir

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

۳. نویسنده مسئول) دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق خانواده دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

f.abbasian731@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

hossein.shahbazi.68@gmail.com

مقدمه

فرایند طبیعی رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان کار در معرض مخاطره جدی است (اقلیما و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۱۹۰). این گونه کودکان از ابتدایی ترین حقوق خود، که حق بر سلامت جسمانی، روانی، تحصیل و آموزش، تفریح و... است، محروم‌اند. علی‌رغم وجود قوانین متعدد، وضعیت کودکان کار ساماندهی نشده است. کودکان به واسطه آسیب پذیری و به ویژه ضعف جسمانی و دیگر کاستی‌های خود، یکی از قشرهایی به شمار می‌روند که در معرض اعمال خشونت قرار می‌گیرند (کرمی و همکاران، ۱۴۰۲).

در کنار پدیده کودک کار که جنبه سلبی دارد و در تمام قوانین و مقررات و همچنین معاهدات بین‌المللی به علت عدم رعایت مصلحت و حقوق کودک منع شده، توجه به بُعد ایجابی کار کودک که نه تنها موجب ضرر کودکان و نوجوانان نیست، بلکه باعث پیشرفت آنها و سبب بروز و ظهور استعدادها و کمک به پیشرفت اجتماعی آنهاست، مغفول مانده است. یکی از وظایف مهم والدین در قانون، بحث «حضانت و تربیت» می‌باشد. کودکی که با رعایت تمام شرایط سنی و بدون آسیب به سلامت جسم و روان و ضمن رعایت مصلحت، صرفاً جهت حرفه‌آموزی و انجام فعالیت و پرورش استعداد و توانایی خود، به اشتغال و انجام فعالیتی زیر نظر والدین می‌پردازد، نه تنها مورد سوءاستفاده و بهره‌کشی قرار نگرفته، بلکه با پرورش استعداد و مهارت، تربیت شده است و این امر به امرار معاش او در آینده کمک شایانی خواهد کرد. طبق نظر اکثریت فقهای شیعه، کودکی که ولی او معسر از پرداخت نفقه به اوست یا توانایی تکسب و اشتغال دارد، به علت سلب وجوب پرداخت نفقه توسط ولی، خود موظف به تکسب و درآمدزایی است. فلذا موضوع کار کودک و کودک کار دو مقوله از هم جدا با دو رویکرد سلبی و ایجابی است.

پژوهش حاضر ضمن بررسی ابعاد ایجابی ذیل قوانین و مقررات و همچنین مراجعه به منابع فقهی، به بررسی سازمان‌های ناظر بر کودکان در قوانین و به خصوص آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، که در آن وظایف سازمان‌های مذکور در خصوص حمایت

از کودکان و نوجوانان ذکر شده است، می‌پردازد.

هر کودکی برای ورود به جامعه جهت ادامه زندگی خود از دوران نوجوانی با مهارت‌های گوناگون آشنا می‌شود تا اشتغال آتی را تسهیل نماید؛ اما باید توجه داشت که آشنایی کودک از طریق شناساندن محیط کار، با «واداشتن» و «مشاغل سخت و ممنوع» و «بهره‌کشی اقتصادی» از او تفاوت بسیاری دارد. پژوهش پیش‌رو به دنبال آن است که با عنایت به کلیات بیان‌شده و نظر به جایگاه و اهمیت حقوق کودک در خانواده و حمایت از کودکان در نظام حقوقی ایران و وظایف حکومت اسلامی و خانواده در قبال کودکان، و نیز لحاظ قوانین و مقررات داخلی و معاهدات، ظرفیت‌های قوانین و مقررات نظام حقوقی ایران در ارتباط با کار کودک را بررسی نماید و ضمن واکاوی وظایف دولت و خانواده در مقابل کودکان، به بیان وجوه ایجابی کار کودک همراه با علت‌های آن بپردازد.

مفهوم‌شناسی اصطلاحات

- کودک

کودک در لغت به معنای صغیر و بچه خردسال انسان و فرزندى که به حد بلوغ نرسیده، است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۶۴۸۱؛ معین، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۱۱۷). در اصطلاح فقهی، به فرزند انسان از زمان تولد تا ابتدای بلوغ، کودک اطلاق می‌شود. به دلیل اینکه حقوق کشور ما بر مبنای فقه نوشته شده، پایان کودکی در قانون مدنی و قانون مجازات اسلامی رسیدن به سن بلوغ است (اسدی، ۱۳۸۶، ص ۱۴ و ۱۵).

از منظر قانون کار، سن کودکی فارغ از جنسیت کارگر، ۱۵ سال است و کارگران بین ۱۵ تا ۱۸ سال نیز «کارگر نوجوان» به حساب می‌آیند که شرایطی متمایز از کارگران بزرگسال دارند. با تصویب قانون جدید حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، مطابق ماده ۱ و ۲ این قانون، تمام افرادی که به سن ۱۸ سال تمام شمسی نرسیده‌اند، کودک محسوب شده و مشمول این قانون می‌باشند. شایان ذکر است مطابق با ماده ۲ سند ملی حقوق کودک و نوجوان، منظور از کودک، انسانی است که به سن بلوغ نرسیده باشد و منظور از نوجوان، فرد بالغ است که بر اساس قانون، به رشد عقلی متناسب با حق و تکلیف ویژه خود نرسیده است.

- کودک کار

صندوق کودکان ملل متحد (یونیسف) کودکان کار را کودکانی تعریف می‌کند که فعالیت شغلی آنها بر سلامت و تحصیل آنها اثر منفی می‌گذارد و نیز او را از گذراندن طبیعی دوران کودکی محروم کرده، موجب سوءاستفاده و استثمار او توسط دیگران می‌شود. کودکان کار به دلیل وجود شرایط خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و...، ساعاتی از شبانه‌روز را به کار کردن در کارخانه، کارگاه، ساختمان، خیابان و منازل جهت کارگری و ... می‌گذرانند که بسیاری از آنها کمک خرج خانواده و برخی دیگر خود به تنهایی عهده‌دار مخارج خانواده هستند (ماندگار، ۱۳۹۶، ص ۱۲۹) و این امر سلامت روحی و جسمی آنها را تهدید می‌کند و به همین علت، از عمده حقوق اولیه مثل آموزش و پرورش و تغذیه، بهداشت مناسب و... دور می‌مانند که این باعث افزایش امکان بزهکاری و بزه‌دیدگی آنان در آینده خواهد شد.

- کار کودک

تعریف یونیسف از کار کودک عبارت است از «گستره‌ای از کار مخرب و زیان‌بخش تا کاری که سبب رشد و تقویت جسمی و فکری کودک می‌شود و به تحصیل و تفریح او ضرر نمی‌رساند». تعریف مزبور لزوماً مبین بهره‌کشی از کودک نیست (پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۳۶۹). در هر صورت، کار کودکان جنبه‌های منفی و مثبت اقتصادی و اجتماعی قابل توجهی دارد. فلذا شرکت کودکان در فعالیت‌هایی که به منظور کسب مهارت و تجربه است و بر سلامت و تحصیل آنان تأثیر منفی نمی‌گذارد، کار سلبی تلقی نمی‌شود (شکوری، ۱۳۹۳، ص ۳۷).

به نظر می‌رسد که در قانون کار، شرایط و مقررات قانونی برای کار کودکان و نوجوانان مطرح شده و اساساً کار کردن کودکان، یعنی افراد زیر ۱۵ سال، به رسمیت شناخته نشده است؛ اما از طرف دیگر، افراد بین رده سنی ۱۵ تا ۱۸ سال طبق شرایط خاصی که در قانون ذکر شده است، می‌توانند بدون وجود مشکل قانونی به اشتغال بپردازند. حتی به نظر می‌رسد برای آماده‌سازی نوجوانان، یعنی افراد بالای ۱۵ سال، برای ورود به جامعه و آشنایی با شرایط کار و اشتغال و همچنین کسب تجربه و مهارت‌های متفاوت، اشتغال داشتن به کاری پاره‌وقت و مناسب، صحیح باشد. نکته دیگر این است که در غالب موارد، این اشتغال با رضایت نوجوان

انجام می‌گیرد و دستمزد وی نیز به خود او تعلق دارد. این اشتغال با سایر حقوق وی در تعارض نیست و نوجوان در ایام سال تحصیلی به مدرسه می‌رود و از آموزش و پرورش برخوردار است و صرفاً در کنار درس خود و برای کسب تجربه و مهارت بیشتر و پر کردن ایام فراغت، این نوع اشتغال را برگزیده است. رویکرد ایجابی نسبت به کار کودک، در فقه اسلامی تحت عنوان تکسب و اشتغال صغار یاد شده است و از این جهت، مدنظر شارع بوده و ادله متعددی به اعتبار آن دلالت دارد و از دیدگاه شارع، در زمره وظایف ولی قهری است؛ البته ولی قهری مشروط به رعایت غبطه و مصلحت طفل، جایز است کودک را در مشاغل مناسب، هم به جهت آموزش و هم جهت درآمدزایی به کار گمارد.

- بهره‌کشی اقتصادی

رویکرد سلبی کار کودک تحت عنوان بهره‌کشی اقتصادی ذیل بند «ث» ماده ۱ قانون حمایت از اطفال درج شده که به معنی به‌کارگیری غیرقانونی طفل و نوجوان یا وادار کردن یا گماردن او به کار یا خدمتی است که از لحاظ جسمی، روانی، اخلاقی یا اجتماعی با نظر به وضعیت طفل و نوجوان برای وی مضر یا خطرناک باشد. به‌کارگیری غیرقانونی به معنی بهره‌برداری از کودک در مواردی حتی با رضایت خود وی بوده و وادار کردن به معنی اجبار کودک به انجام کاری است.

در بهره‌کشی اقتصادی، کار باید از لحاظ اخلاقی و جسمی و روانی با شرایط کودک مطابقت نداشته باشد و آسیبی بالفعل یا بالقوه به وی برساند. در واقع بهره‌کشی اقتصادی نوعی کودک‌آزاری است که در لغت، هر نوع فعل یا ترک فعل عمدی آسیب‌رسان به کودک را در بر می‌گیرد (صالحی و اسماعیل‌پور، ۱۳۹۳، ص ۱۳۲).

۱. ابعاد سلبی کار کودک در پرتو قانون

با توجه به وضعیت حساس روحی و جسمی کودکان، وضع مقرراتی در زمینه حمایت از آنان از امور ضروری است. در این راستا مطابق بند ۴ اصل ۴۳ قانون اساسی، اجبار به کار معین و بهره‌کشی از دیگری ممنوع اعلام شده است. بند ۵ ماده ۹ سند ملی حقوق کودک و نوجوان بیان می‌دارد که اشتغال کودک قبل از رسیدن به سن قانونی کار ممنوع می‌باشد و نوجوان بعد

از رسیدن به سن قانونی کار، متناسب با سن، جنسیت و توانایی با اذن ولی و سرپرست قانونی، از حق اشتغال برخوردار است. اشتغال او در هرگونه کار خطرناک یا هر کاری که از تحصیل ممانعت کند یا مضر به سلامتی رشد جسمی یا روانی او باشد، ممنوع است و او باید از شرایط کار مناسب و دریافت دستمزد عادلانه برخوردار باشد.

به موجب ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی^۱ پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند (فروزان، ۱۳۹۰، ص ۲۰۱). فلذا سوءاستفاده از اطفال در تکدی‌گری توسط والدین یکی از مصادیق عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی والدین تلقی می‌شود و دادگاه مجاز است بر مبنای تقاضای اقرбай طفل یا قیم وی یا رئیس حوزه قضایی، تصمیم مقتضی در خصوص طفل، از جمله سلب حضانت از والدین مرتکب را اتخاذ نماید.

یکی از موارد به‌کارگیری کودک، تکدی‌گری است که در این رابطه، ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ مقرر می‌دارد: «هرکس طفل صغیر یا غیررشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد، به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از این طریق به دست آورده است، محکوم خواهد شد». قانون‌گذار در این ماده برای افرادی که با سوءاستفاده از اطفال، به جمع‌آوری امکانات مردمی اقدام نمایند، مجازات سنگین‌تری را نسبت به وضعیت کسی که خود شخصاً اقدام به تکدی می‌کند، پیش‌بینی کرده است.

علاوه بر این مطابق ماده ۷۹ قانون کار، به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است. کارفرمایانی که افراد کمتر از ۱۵ سال را به کار گمارند، علاوه بر رفع خلاف، به‌ازای هر کارگر به پرداخت جریمه نقدی محکوم خواهند شد. همچنین به موجب ماده ۸۰ کارگر نوجوان سنین ۱۵ تا ۱۸ سال تمام، در بدو استخدام باید توسط سازمان تأمین اجتماعی مورد

۱. بند ۴- سوءاستفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشا، تکدی‌گری و قاچاق.

آزمایش‌های پزشکی قرار گیرد و این آزمایش‌ها حداقل سالی یک‌بار باید تجدید شود و مدارک مربوط در پرونده استخدامی وی ضبط شود. مطابق ماده ۸۳، ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور و خطرناک نظیر حمل بار با دست بیش از حد مجاز و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است.

تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، تغییرات چشمگیری در حمایت از کودکان در نظام حقوقی ایران به وجود آورد. مطابق با ماده ۳ قانون مزبور، مواردی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، مخاطره‌آمیز محسوب شده، موجب مداخله و حمایت قانونی از کودک و نوجوان می‌شود. همان‌گونه که مشخص است، به‌کارگیری کودکان با جنبه سلبی که همان بهره‌کشی اقتصادی از آنها نامگذاری شده است، کودک و نوجوان را در معرض بزه‌دیدگی و ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی و امنیت و آموزش قرار می‌دهد. علاوه بر این، وفق تبصره ۳ بند «ب» ماده ۳ قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند، استفاده از صغیر برای فعالیت‌های غیرمجاز موضوع این قانون موجب اعمال حداکثر مجازات‌های مقرر برای عامل خواهد بود. گفتنی است مطابق قانون حمایت از کودکان و نوجوانان ۱۳۹۹ نیز، ذیل بندهای ۶، ۷ و ۸ ماده ۱۰، سوءاستفاده از وی در تهیه، تولید و تکثیر آثار سمعی و بصری مستهجن مستوجب کیفر است.

در کنار قوانین و مقررات فوق، از منظر بند ۱ ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق کودک، کشورهای عضو باید تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب‌رسانی یا سوءاستفاده، بی‌توجهی یا رفتار سهل‌انگارانه، بدرفتاری یا استثمار از جمله سوءاستفاده‌های جنسی در هنگامی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم‌های قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل آورد (ایروانیان و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۲۰۱). مطابق بند ۱ ماده ۳۲، کشورهای طرف کنوانسیون، جهت مورد حمایت قرار گرفتن کودک در برابر استثمار و هرگونه کار زیان‌بار برای بهداشت جسمی،

روحی، معنوی، اخلاقی یا پیشرفت اجتماعی وی یا توقف در آموزش او، حقوق وی را به رسمیت می‌شناسند.

در ماده ۳ کنوانسیون، بدترین اشکال کار کودک معرفی می‌شوند. گفتنی است که این کنوانسیون و توصیه‌نامه مکمل آن در سال ۱۳۸۰ به تصویب دولت جمهوری اسلامی ایران رسید و بر اساس آن، مقرر شده است تا اشخاصی که کودکان را به کارهای مضر موضوع بند «ت» ماده ۳ کنوانسیون می‌گمارند، به مجازات مقرر در ماده ۱۷۲ قانون کار و لغو موقت پروانه کار محکوم گردند (ایروانیان، ۱۳۹۰، ص ۲۰۱ و ۲۰۲).

ماده ۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی نیز اشعار می‌دارد: «هیچ‌کس را نباید در بردگی و انقیاد نگه داشت یا ملزم کرد که به کار تحمیلی و اجباری پردازد». از عموم اطلاق واژه «هیچ‌کس» در ماده، حمایت از حقوق کار اطفال استنباط می‌گردد و لذا مطابق این میثاق بردگی و کار تحمیلی و اجباری و واداشتن به کار در خصوص اطفال ممنوع اعلام گردیده (حافظیان، ۱۳۷۶، ص ۲۹). دولت ایران نیز سال ۱۳۵۴ طی قانون «اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی» به این میثاق ملحق شده است (بیگی، ۱۳۸۴، ص ۷۲).

همچنین میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به دولت‌های عضو توصیه می‌کند که افراد جوان را از بهره‌کشی اقتصادی و اشتغال به کارهای زیان‌آور برای اخلاقیات تندرستی یا زندگی‌شان و نیز از کارهایی که احتمالاً مانع رشد طبیعی آنها می‌شود، محافظت نمایند. همچنین میثاق، دولت‌ها را متعهد می‌سازد که محدودیت‌های سنی وضع نمایند تا اشتغال کارآموزی کودکان پایین‌تر از آن سن ممنوع و طبق قانون، قابل مجازات گردد. بند «۳» ماده ۱۰ میثاق اعلام می‌دارد: «اطفال باید در مقابل استثمار اقتصادی و اجتماعی حمایت شوند. واداشتن اطفال به کارهایی که برای جهات اخلاقی یا سلامت آنها زیان‌آور است یا زندگی آنها را به مخاطره می‌اندازد یا مانع رشد طبیعی آنان می‌گردد، باید به موجب قانون، قابل مجازات باشد» (ناصرزاده، ۱۳۷۸، ص ۵۱).

علاوه بر این، اصل نهم اعلامیه حقوق جهانی کودک در خصوص حمایت از حقوق کار

اطفال مقرر داشته است که «کودک باید در برابر هرگونه غفلت، ظلم و استعمار حمایت شود». کودک نباید به هر شکل وسیله مبادله قرار گیرد. کودکان نباید قبل از رسیدن به حداقل سن مناسب، به استخدام درآیند و نباید به هیچ وجه، امکان استخدام یا اجازه استخدام کودک در کارهایی داده شود که به سلامتی و روند آموزش وی لطمه زند و باعث اختلال رشد بدنی، فکری و اخلاقی گردد (باهر، بی تا، ص ۲۹).

نکته قابل توجه دیگر ماده ۱۹ پیش‌نویس کنوانسیون سازمان همکاری اسلامی در مورد حقوق کودک می‌باشد که مطابق با آن، هر کودک باید در مقابل همه اشکال بهره‌برداری اقتصادی و انجام هر کاری که ممکن است خطرناک باشد یا در پیشرفت جسمی، روانی، معنوی، اخلاقی اجتماعی کودک اختلال ایجاد کند یا حق آموزش را از وی سلب کند، محافظت شود. دولت‌های عضو موظف‌اند اقداماتی همچون تعیین حداقل سن کار و شرایط و ساعت کار برای پذیرش کودکان در شغل، ترویج انتشار اطلاعات در مورد خطرات کار کودکان و ارائه آموزش و مهارت‌آموزی مناسب برای مقابله با کار کودکان و نیز تعیین مجازات‌های مناسب یا مجازات‌های دیگر برای اطمینان از اجرای مؤثر این ماده را به عمل آورند.

علی‌الاصول، عمده حمایت‌های حقوقی کاری اطفال را در سطح بین‌الملل، سازمان بین‌المللی کار به عمل آورده و اسناد مربوط به حداقل سن استخدام و شروع به کار، اسناد مربوط به کارهای خطرناک و زیان‌آور، اسناد مربوط به ضرورت آزمایش‌های پزشکی و اسناد مربوط به ممنوعیت کار در شب حاصل تلاش‌های نهاد مزبور است.

۲. ابعاد سلبی کار کودک در فقه امامیه

۲.۱. وظایف حضانتی و تربیتی والدین نسبت به طفل

بسیاری از حقوق کودکان که در ذیل حقوق معنوی جای دارند، مورد اشاره متون فقهی نیز بوده‌اند؛ به‌عنوان مثال، ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی در باب «حضانت» طفل که جنبه معنوی آن غلبه دارد و ماده ۱۱۷۸ قانون درباره «تربیت» که یکی از وظایف والدین محسوب و جزء حقوق معنوی به شمار می‌آید؛ اسلام نیز توجه ویژه‌ای به امر تعلیم و تربیت اطفال دارد. به گفته صاحب موسوعه، اطفال نزد پدران و مادرانشان امانتی هستند که مراقبت از آنها و توجه به آنها نیازمند تلاش بسیاری

است (انصاری، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۳۲۱). همچنین در تعریف حضانت آمده است که حضانت، ولایت بر طفل است به سبب تربیت او (طباطبایی، بی تا، ج ۱۲، ص ۱۴۴). در نتیجه، پدر که ولایت طفل را نیز بر عهده دارد، باید جهت انجام صحیح وظیفه خود، یعنی حضانت و تربیت، شرایط و محیط مناسبی جهت رشد کودک در ابعاد گوناگون جسمی، معنوی، اخلاقی، ایمانی و تربیتی فراهم کند. لذا با در نظر گرفتن ابعاد بسیار گسترده‌ای از تربیت که فقه بر عهده ولی طفل گذاشته است، ولی قهری حق ندارد کودک را در قالب پدیده کودک کار، به کار گماشته، از او بهره‌کشی کند؛ زیرا این کار بر خلاف وظیفه‌ای است که فقه و قانون بر عهده او می‌گذارند. به بیانی دیگر، می‌توان نتیجه گرفت که اصل در ملاحظات فقهی، وظایف والد-فرزندی و تأمین مالی طفل توسط ولی است و هر نوع سرکشی از این وظیفه و به کار گماردن طفل که منتج به ضرر و آسیب جسمی، روانی و رشدی قابل توجه به طفل گردد، مصداق سرپیچی از انجام وظیفه شرعی است و فعل ولی در چنین مواردی، وجاهت شرعی ندارد.

۲.۲. وظایف حاکم در دفع فساد

یکی از وظایفی که حکومت اسلامی بر عهده حاکم گذاشته، دفع تمامی مصادیق فساد از جامعه اسلامی است. از طرفی، به کار گماردن کودکان (در قالب پدیده کودک کار) طوری که منجر به ضرر آنهاست، به وضوح به عنوان یکی از مصادیق فساد عمومی شناخته می‌شود که حاکم اسلامی موظف است با آن برخورد و در جهت کاهش آن، قوانین و مقرراتی وضع نماید. لذا با رویکرد الزام شارع به دفع کلیه مصادیق فساد در ابعاد فردی و اجتماعی مردم، دفع به کار گماردن کودکان که منتج به چنین فساد است، از وظایف حاکم می‌باشد. مهم‌ترین گامی که خداوند در جهت مبارزه با فساد در جوامع مختلف برداشته، ارسال انبیای الهی است. عدم آگاهی افراد از مصادیق فساد، منشأ پیدایش اولین مراحل فساد در جامعه است. از این رو، ارسال انبیای الهی از سوی خداوند متعال، یکی از مراحل مهم مبارزه با فساد به شمار می‌رود. لذا حاکم اسلامی به عنوان جانشین پیامبران و امامان، امروزه وظیفه دفع فساد در جامعه اسلامی را بر عهده دارد.

۳. ابعاد ایجابی کار کودک در پر تو قانون

در قوانین جمهوری اسلامی ایران، پدر و مادر هر دو در مقابل فرزند خود مسئولیت‌هایی دارند

و همچنین از حقوقی نیز برخوردار هستند. ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی نیز با اعلام این امر که ابویین مکلف هستند که در حدود توانایی خود، به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند، این عقیده را که سلطه پدر و مادر بر فرزندان حق آنان است، به صراحت رد می‌کند. لذا در این قانون، منظور از حق، توانایی است که قانون برای اجرای تکالیف خویش به پدر و مادر در برابر دیگران اعطا کرده است (کاتوزیان، ۱۳۹۸، ص ۳۲۸). یکی از مواردی که قانون برای پدر و مادر به‌عنوان وظیفه برشمرده است، حضانت و تربیت طفل می‌باشد. حضانت عبارت است از اقتداری که قانون به‌منظور نگهداری و تربیت اطفال به پدر و مادر آنها اعطا کرده که در آن، حق و تکلیف به هم آمیخته است. عنصر «نگهداری» و «تربیت» طفل به‌دشواری جدای از هم تصور می‌شوند؛ زیرا شیوه نگهداری کودک در پرورش استعدادهای او مؤثر است و زمینه آموزش به او را نیز فراهم می‌کند. با وجود این، آنچه به‌طور مستقیم ناظر به پذیرفتن کودک و تأمین نیازهای مادی و معنوی اوست، در زمره کارهای مربوط به نگهداری است؛ ولی هدایت طفل در شناسایی محیط، آموختن تجربه زندگی و عادات و رسوم آن، تأمین وسیله تحصیل و مانند اینها در شمار تکالیف مربوط به تربیت کودک است (همان، ص ۳۳۴). همان‌گونه که گفته شد، والدین باید فرزند خود را برای زندگی اجتماعی آماده کنند و بر رفتار و معاشرت‌های او نظارت مستمر داشته باشند. نکته قابل توجه آن است که والدین در عین حال که حق انتخاب شیوه تربیت فرزند خود را دارند، مکلف‌اند او را چنان تربیت کنند که مهمل نماند و استعدادهایش به هدر نرود. ماده ۱۱۷۸ قانون مدنی در مقام قاعده کلی تکلیف پدر و مادر مقرر می‌دارد: «مکلف هستند که در حدود توانایی خود به تربیت اطفال خویش بر حسب مقتضی اقدام کنند و نباید آنها را مهمل بگذارند» (همان، ص ۳۳۹-۳۴۰).

با توجه به موارد گفته‌شده، درمی‌یابیم که تربیت فرزند - که یکی از مصداق‌های آن، پرورش استعدادها و توانایی‌هاست - از وظایف والدین به شمار می‌رود و یکی از راه‌های تشخیص استعداد و توانایی طفل و به‌کارگیری آن در بزرگسالی و پرورش مهارت او، واگذاری کارها و فعالیت‌های متفاوت به کودک جهت تشخیص مهارت اوست. نکته قابل توجه آن است که

فعالیت و کار تعریف شده برای کودکان باید بر خلاف مصلحت او نبوده، به سلامت جسمی و روانی و اخلاقی کودک آسیب نرساند. همچنین باید در جهت رشد استعداد و تشخیص توانایی‌های کودک و با رعایت غبطه و مصلحت کودک باشد.

همان‌طور که گفته شد، هرکس برای شناخت استعدادها و مهارت‌های خود، به کسب تجربه در انجام فعالیت‌های گوناگون نیاز دارد. در این خصوص، قانون کار، ضمن ممنوعیت اشتغال کودکان زیر ۱۵ سال، اجازه کار کردن را به کارگر نوجوان (۱۵ تا ۱۸ سال) در ماده ۸۰ مشروط به رعایت شرایطی، داده است. خوشبختانه با تصویب این مواد، انجام کار به صورت قانونی برای نوجوانان با شرایطی خاص پیش‌بینی شده است که همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، با وجود نظارت خانواده‌ها و رضایت شخصی کارگر نوجوان، می‌تواند به رشد و کسب مهارت او کمک بسیاری کند. در نتیجه، طبق مواد ۸۰ و ۸۱ قانون کار، کارگران ۱۵ تا ۱۸ سال کارگران نوجوانان هستند و در بدو استخدام و همچنین به‌طور سالیانه باید تحت آزمایش‌های پزشکی قرار گیرند. همچنین به موجب ماده ۵۱ قانون کار، ساعت کار کارگران نباید از ۸ ساعت در روز تجاوز کند. مطابق با ماده ۸۲ قانون فوق‌الذکر، اعلام شده است که ساعت کار نوجوانان باید نیم ساعت کمتر از ساعت کار کارگران معمولی باشد و مطابق با ماده ۸۳ نیز، هرگونه کار و انجام کار در شب و ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور و حمل بار بیش از حد مجاز بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگر نوجوان ممنوع است. اجرای هر نوع کار اضافی و انجام کار در شب برای کارگر نوجوان ممنوع می‌باشد. لذا قانون کار در چنین شرایطی مخالف کار نوجوان نیست.

مطابق با بند «الف» ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز، توانمندسازی اطفال و نوجوانان یکی از وظایف سازمان بهزیستی کشور می‌باشد. وفق بند ۱۱ ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، «توانمندسازی» عبارت است از مجموعه خدماتی که با هدف رشد و تکامل همه‌جانبه، تحقق زندگی شایسته با حداقل وابستگی به منابع حمایتی و ارتقای توانایی‌ها و مهارت‌های آموزشی، اجتماعی و حرفه‌آموزی به طفل و نوجوان، خانواده یا اشخاص تأثیرگذار بر وی ارائه می‌شود. همچنین مطابق بند ۱۰ ماده ۲ قانون مذکور، آیین‌نامه

توسعه توانمندی‌ها و مهارت‌های فردی، آموزشی، اجتماعی و حرفه‌ای طفل و نوجوان نیز از اصول مهم جهت دستیابی به اهداف این قانون است. گفتنی است اگر به کار کودک از جنبه رشد و پیشرفت او و بروز استعدادها و توانایی‌های او نگاه کنیم، به طوری که رشد، امنیت و سلامت جسمی، روانی و معنوی کودک تحت تأثیر عوامل مخرب واقع نشود و کودک مهارت و استعدادهای کافی و لازم را جهت اشتغال کسب کند، به گونه‌ای که تکسب جنبه ایجابی برای او داشته باشد، نه تنها مصلحت طفل به خطر نمی‌افتد، بلکه یادگیری مهارت‌ها و بروز استعدادها در جهت رعایت مصلحت اوست؛ ولی در غیر این صورت، مصلحت او به خطر می‌افتد. لذا می‌توان گفت جهت توانمندسازی اطفال و نوجوانان و پرورش استعدادها و مهارت‌ها و با رعایت غبطه و مصلحت طفل و نوجوان، می‌توان آنها را جهت انجام فعالیت‌هایی به مشاغل گوناگون به کار گذاشت.

۴. ابعاد ایجابی کار کودک در فقه امامیه

همان‌گونه که گفته شد، قوانین کار کودک دارای ابعاد ایجابی نیز می‌باشد که اعم است از پرورش استعدادها و توانایی کودک و در نتیجه رشد و تربیت او در جایی که خلاف مصلحت و غبطه و سلامت جسمی و روانی او نباشد. در منابع و آرای فقهی نیز، تکسب صبیان و کار کودک دارای خاستگاه‌هایی در بُعد ایجابی می‌باشد.

۴.۱. نفقه کودک

از جمله حقوق هر فرزند جهت رفع نیازهایی که بالذات برای رشد دارد، نفقه است که خوراک، پوشاک، مسکن و هزینه‌های متعارف زندگی، از مصادیق آن می‌باشد. از نظر جمیع فقهای شیعه و اهل تسنن، علل وجوب نفقه فرزند اعم‌اند از کتاب، سنت، اجماع و عقل (انصاری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۸۸). در نظر گرفتن استطاعت مالی منفق، علاوه بر شرایط نفقه‌گیرنده و در نظر گرفتن توان کار کردن فرزند، بعد از سن بلوغ، جهت تعلق نفقه، از شرایط نفقه فرزند در قانون و فقه است (همان، ص ۴۰۲). نفقه کودک نه تنها شامل موارد رفع نیازهای اساسی او مثل آموزش، بهداشت و تفریح است، بلکه فراهم کردن شرایطی را که کودک بتواند در آن به خوبی از جهت روانی و جسمی رشد کند نیز، شامل می‌شود.

مطابق نظر فقها، نفقه فرزند در صورت وجود پدر و ایسار وی، بر عهده پدر و در صورت عدم وجود پدر یا اعسار او، بر عهده جد پدری و در صورت عدم وجود او، بر اساس قاعده الاقرب فالاقرب، هرچه بالاتر روند. همچنین در صورت عدم وجود اجداد پدری یا اعسار آنها، بر عهده مادر است و در شرایطی که مادر نیز وجود نداشته باشد یا مُعسر باشد، بر عهده اجداد مادری اوست (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۲۰؛ حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۷؛ عاملی، بی تا الف، ج ۵، ص ۴۷۷؛ طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۳۷۳). بر اساس ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی، اولویت در پرداخت نفقه فرزند بر عهده پدر بوده و پس از او، بر عهده اجداد پدری و سپس مادر و اجداد مادری است. گفتنی است نفقه دادن به فرزند و رفع نیازهای اقتصادی او مانع از این امر نیست که در سن مناسب و بدون آنکه سلامت جسمی و روانی کودک به خطر افتد، کارهایی متناسب با سن کودک و شرایط جسمی او، به طوری که مصلحت و غبطه کودک لحاظ گردد، به او سپرده شود. همان گونه که گفته شد، این امر نه تنها بر خلاف مصلحت کودک و نوجوان نیست، بلکه شرایط کشف استعداد و مهارت کودک و نوجوان را فراهم می کند و باعث می شود او مسیر و اهداف آینده خود را دقیق تر و با شناخت بیشتری دنبال کند. همچنین آموختن حرفه ای که کودک و نوجوان به آن مشغول می شود، در شرایطی که به جسم و روان او آسیب نزند و بیشتر جنبه تفریحی و آموزشی داشته باشد، می تواند به افزایش روحیه اعتماد به نفس در کودک و نوجوان و همچنین استقلال و خودکفایی او کمک شایانی داشته باشد. لذا چنین کاری مطلقاً تعارضی با سلامت جسمی و روانی کودک و نوجوان نخواهد داشت و عنوان بهره کشی، به کار گماردن و سوءاستفاده را ندارد.

۴.۲. نفقه و اشتغال

وقتی صحبت از کار کودک به میان می آید، لزوماً بهره کشی از کودک مطرح نمی شود و در شرایطی که کار کودک مغایر با مصالح جسمی، جنسی، اخلاقی و روانی کودک نیست، صدق عنوان بهره کشی از کودک صحیح نیست و اتفاقاً این نوع کار رشددهنده و به مصلحت کودک می باشد. لذا سؤالی که مطرح می شود، این است که آیا ولی قهری طفل می تواند جهت تأمین نفقه، او را مجبور به اشتغال، تکسب و درآمدزایی کند.

در پاسخ باید گفت که در وجه ایجابی، با رعایت مصلحت^۱ طفل و با لحاظ شرایط کار متناسب با سن و بدون اضرار به کودک، پاسخ به این سؤال مثبت است و در وجه سلبی، به علت عدم وجود مصلحت و شرایط مقتضی و احراز عنوان بهره‌کشی و سوءاستفاده، پاسخ منفی است. همان‌گونه که پیش از این ذکر شد، منفق بر اساس شرایط مالی و استطاعت خود، ملزم به پرداخت نفقه است (انصاری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۰۷؛ طوسی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۳۵؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۳۷۴؛ طرابلسی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۳۴۹). پس اگر منفق مُعسر باشد، تکلیف انفاق از او برداشته می‌شود و در این صورت، فرزند قاعدتاً راهی به‌جز اشتغال و درآمدزایی جهت تأمین معاش خود نخواهد داشت. گفتنی است که کودک تنها زمانی مستحق دریافت نفقه از دیگری است که ملائت مالی نداشته باشد؛ زیرا از شرایط منفق‌علیه، فقیر، مُعسر و محتاج بودن اوست (انصاری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۰۷). لذا اگر کودک اموالی داشته باشد، پدر می‌تواند اموال را فروخته، از محل اموال، نفقه کودک را به او پرداخت کند (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۳۰؛ عاملی جبعی، بی تا، ج ۸، ص ۴۸۵). یکی دیگر از شرایط منفق‌علیه که در کتب فقهی بدان اشاره شده، عاجز بودن فرزند از اکتساب است (انصاری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۰۸) که البته این امر در بین فقها اختلافی است. عده‌ای^۲ به لزوم شرط عدم قدرت اکتساب قائل هستند و عده‌ای وجود این شرط را لازم نمی‌دانند.^۳ به‌طور کلی، لزوم این شرط درست‌تر به نظر می‌رسد؛ زیرا کسی که قادر به کسب و اشتغال است، شرعاً غنی و بی‌نیاز محسوب می‌شود (همان، ص ۴۰۸). بنابراین مطابق آرای اکثریت فقها در کتاب موسوعه، و جوب پرداخت نفقه توسط ولی به فرزند مشروط به فقر فرزند و ناتوانی او از کسب و اشتغال است؛ ولی اگر طفل به حد سنی اکتساب و اشتغال رسید (حتی اگر به سن بلوغ نرسیده باشد)، نفقه او در کسب اوست؛ چرا که مکتسب شرعاً در حکم فرد غنی و بی‌نیاز است (همان، ص ۴۱۷). به همین دلیل، در کتاب ریاض و جواهر نیز

۱. مستند به ماده ۴۵ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱۳۹۱

۲. محقق حلی در شرایع الاسلام، فاضل هندی در کشف اللثام، علامه حلی در قواعد الاحکام.

۳. نجفی در جواهر الکلام

گفته شده است که اگر طفل به سنی رسید که یادگیری حرفه یا اکتسابی برای او ممکن بود، ولی باید او را به حرفه‌ای بگمارد و از کسب خود طفل، نفقه او را پرداخت کند (طباطبایی، بی تا، ج ۷، ص ۲۷۰؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳، ص ۱ و ۳۷۲).

پرسش قابل توجه این است که آیا ولی می‌تواند زمانی که طفل به توانایی و حد اکتساب رسید، او را مجبور به اکتساب کند. ظاهر از بیان برخی از فقها همچون صاحب ریاض، این است که ولی اجازه چنین کاری را ندارد؛ لیکن به نظر می‌رسد وقتی که پدر ولایت در نکاح برای صغیره را دارد (حر عاملی، ۱۳۶۷، ج ۱۴، ص ۲۰۷)، به طریق اولی، اجبار طفل به تکسب نیز، زمانی که تکسب مطابق با مصلحت طفل باشد، برای پدر جایز به نظر می‌رسد. همچنین به نقل از کتاب موسوعه، به نظر می‌رسد این کار مصداقی از تأدیب و تربیت طفل باشد (انصاری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۱۸) و به این دلایل است که در کشف‌اللاثام گفته شده است: اگر فرزند قادر به کسب بود، ولی طفل می‌تواند او را به این کار اجبار کند؛ زیرا این کار نوعی از تأدیب است و نفقه کودک از پدر ساقط شده است؛ زیرا او غنی است، فارغ از اینکه دختر است یا پسر (اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ج ۷، ص ۶۰۰).

به‌طور کلی، اگر شرایط زیر وجود داشته باشد، شخص ملزم به پرداخت نفقه فرزند است:

۱. شخص مستحق نفقه باید فاقد اموال کافی برای گذراندن معاش باشد؛ یعنی اموال و درآمدی نداشته باشد؛ به شکلی که حتی نیازهای اولیه وی مانند خوراک، پوشاک و مسکن و ... تأمین نباشد.

۲. مستحق نفقه قدرت اشتغال نداشته باشد؛ یعنی نتواند به‌وسیله اشتغال به شغلی، وسایل معیشت خود را فراهم کند؛ اعم از اینکه این عدم مقدریت ناشی از ناتوانی و ازکارافتادگی باشد یا آنکه ناشی از عدم وجود شغل در جامعه باشد و قانون‌گذار در خصوص فرزندى که به دنبال تکسب نبوده یا حقیقتاً ناتوان از انجام کار بوده نیز، فرقی قائل نشده است. در ماده ۱۱۹۷ قانون مدنی، صراحتاً به این مسئله بدین شکل اشاره شده است: «کسی مستحق نفقه است که ندار بوده و نتواند به‌وسیله اشتغال به شغلی، وسایل معیشت خود را فراهم سازد».

۳. شخصی که قرار است نفقه را بپردازد، متمکن از دادن نفقه باشد؛ یعنی بتواند بدون اینکه دچار مضیقه شود، نفقه بدهد. ماده ۱۱۹۸ قانون مدنی این مسئله را به طرز روشنی بیان کرده است. «کسی ملزم به انفاق است که متمکن از دادن نفقه باشد؛ یعنی بتواند نفقه بدهد، بدون اینکه از این حیث، در وضع معیشت خود دچار مضیقه گردد. برای تشخیص تمکن باید کلیه تعهدات و وضع زندگانی شخصی او در جامعه در نظر گرفته شود» (انصاری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۲۷).

۴.۳. آینده معیشتی کودک

یکی از مهم‌ترین وظایف والدین در مقابل فرزندان، حضانت آنهاست. طبق تعریف فقها، حضانت، ولایت و سلطنت بر تربیت طفل است (حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵؛ عاملی، بی تا ب، ج ۸، ص ۴۲۱؛ طباطبایی کربلایی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۲۴۰). همچنین ولایت جهت تأمین مصالح کودک تشریح شده است. تدبیر شئون فرزندان و تربیت آنها از جمله وظایف ولی نسبت به فرزند است (انصاری، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۰۵). اطلاق ادله تربیت و عمومیت موضوع مصلحت، شامل حال و آینده فرزندان می‌باشد. همچنین توانمندسازی اطفال و نوجوانان به جهت بروز مهارت‌ها و توانایی‌های آنها یکی از وظایف مهم سازمان‌های دولتی است. به‌طور کلی، مهم‌ترین وظیفه خانواده و دولت در مقابل کودک علاوه بر حفظ سلامت جسمی و معنوی در سنین کودکی و نوجوانی، فراهم کردن بستری جهت داشتن آینده‌ای مناسب برای آنهاست. آینده شغلی و معیشتی کودکان در گرو یافتن استعدادها و مهارت‌های آنها در کودکی و نوجوانی است و این امر محقق نمی‌شود جز با انجام دادن فعالیت‌های گوناگون توسط کودک و نوجوان. لذا یکی از آسیب‌هایی که در خصوص جوانان با آن روبرو هستیم، مسئله بیکاری و اشتغال جوانان و فقدان توان مالی آنان جهت گردش امور زندگی است که پیامد عدم کسب مهارت لازم جهت اشتغال در زمان کودکی و نوجوانی است. سرپرستی که در کودکی و نوجوانی زمینه‌ای را برای یافتن استعداد و توانایی‌های کودک خود فراهم نکرده است، به‌درستی به مقتضای ولایت خود نیز عمل نکرده و قصور دارد؛ زیرا اگر بستر لازم و مقتضای مصلحت برای فرد تحت سرپرستی خود در زمان کودکی و نوجوانی فراهم می‌نمود تا کودک با انجام فعالیت مناسب در آن بستر، پی به مهارت و توانایی خود ببرد، در جوانی نیز، با رشد این مهارت

می‌توانست آینده مناسبی برای خود رقم بزند و این‌گونه است که کار کودک در بُعد ایجابی و جاهت پیدا خواهد کرد. لذا یکی از خاستگاه‌های ابعاد ایجابی کار کودک بحث مهم آینده معیشتی کودک می‌باشد؛ زیرا یکی از راه‌های برون‌رفت از پدیده بیکاری جوانان و تأمین مصلحت عمومی جامعه اسلامی در خصوص تأمین آینده جوانان کشور، این است که در کودکی و نوجوانی با رعایت غبطه، به فعالیت و حرفه‌آموزی و تکسب روی آورند؛ چرا که مبحث مصلحت عمومی چنان می‌تواند موضوعیت داشته باشد که در مسئله اعمال حاکمیت هم ورود کند (منصورنژاد، ۱۳۷۸، ص ۱). در واقع می‌توان گفت تأمین آینده معیشتی کودک که مصلحتی فردی در چهارچوب اجتماع کوچکی به نام خانواده است، رویکرد همین مصلحت در ابعاد کلان و عامه، در حیطة وظایف حکومت اسلامی است که زیرساخت‌های اشتغال و تأمین آینده معیشتی را فراهم کند و به‌گونه‌ای ظرفیت‌های قانونی ایجاد کند که اگر ولی و سرپرست، فرزند خود را مشروط به رعایت مصلحت، به انجام کار جهت حرفه‌آموزی گمارد، خلاف مصلحت کودک معرفی نشود و سلب صلاحیت حضانت از او صورت نگیرد.

۴.۴. حسن ذاتی کار کردن

یکی دیگر از خاستگاه‌های ابعاد ایجابی کار کودک، وجود حسن ذاتی کار کردن است. کارایی انسان در حوزه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی و فعال‌سازی توانایی افراد دارای حسن ذاتی است. حسن و قبح عقلی امری بدیهی است (حلی، ۱۴۳۰ ق، ص ۲۸۱). عبارت «آراءِ محموده» در لغت به معنی اندیشه‌های پسندیده و در اصطلاح اهل منطق به معنی عقاید مشهوری است که از لحاظ مصالح جامعه، پسندیده و مقبول باشد (طوسی، ۱۳۵۵، ص ۳۴۷). همچنین در کتاب‌های منطقی، آرای محموده از «مشهورات» محسوب شده است. مقصود از مشهورات قضایایی است که موجب اعتقاد به آنها شهادت همگان یا همه دانشمندان یا افاضل ایشان است در آنچه مخالف رأی جمهور نباشد (ابن سینا، ۱۳۵۷ ق، ص ۱۱۸). در نتیجه، آرای محموده قضایایی است که اگر انسان را از جهت عقل نظری و حس و وهم به خود واگذارند و او را به قبول آن قضایا تأدیب و تربیت نکرده باشند، انسان پس از دقت و تأمل، آن قضایا را باور کند یا نکند (طوسی، ۱۳۵۵، ص ۲۲۰؛ قطب‌الدین شیرازی، ۱۳۲۰، ج ۲، ص ۱۵۷)؛ مانند

قضیه نیکی عدل و بدی ظلم (مظفر، ۱۳۸۸ق، ص ۲۸۳).

نکته قابل توجه دیگر بحث مستقلات عقلیه است که از انواع ملازمات عقلی و عبارت است از یک سلسله احکام عقلی که عقل به تنهایی و بدون کمک شرع، آنها را درک می‌کند. در این خصوص، عده‌ای قائل هستند که مستقلات عقلیه از مشهورات و آرای محموده‌اند. به عنوان نمونه، مرحوم مظفر دلیل خود در تسمیه مستقلات عقلیه به مشهورات را این‌گونه بیان می‌کند: «چون مشهورات، قضایایی هستند که تنها پشتوانه قابل اعتماد در باور به آنها، شهرت و اذعان عموم است، مانند خوبی عدل و بدی ظلم». آنگاه به عنوان یکی از اقسام مشهورات، تأدیبات صلاحیه (آرای محموده) را معرفی می‌کند: «تأدیبات صلاحیه - که محمودات یا آرای محموده هم نامیده می‌شوند - چیزهایی هستند که نظرها - به خاطر اقتضای مصلحت عموم برای حکم به آنها - بر آن اتفاق دارند، به اعتبار اینکه به سبب آنها نظام حفظ می‌شود و نوع بشر باقی می‌ماند؛ مانند قضیه نیکی عدل و بدی ظلم. معنای حسن عدل آن است که فاعل آن را نزد عقلا می‌ستایند و معنای بدی ظلم آن است که فاعل آن نزد ایشان نکوهش می‌شود». پس حسن و قبح از آرای محموده و قضایای مشهوره‌ای هستند که آرا در مورد آنها یکسان است به خاطر تأدیبات صلاحیه که در آنهاست و واقعیتی غیر از تطابق آرا ندارند (مظفر، ۱۳۸۸ق، ص ۲۸۳ و ۲۸۴).

با عنایت به موارد فوق‌الذکر، درمی‌یابیم مستقلات عقلیه به کمک آرای محموده نوشته می‌شوند؛ لذا می‌توان گفت که کار کردن و داشتن فعالیت و همچنین فایده‌رسانی عمومی از طریق اشتغال توسط اشخاص، عقلاً خوب است و عقل فطری و بدیهی انسان، به وضوح به حسن کار کردن حکم می‌نماید؛ بنابراین مسئله کار کودک در بُعد ایجابی، و مسئله اشتغال که موضوعی فرازمانی، فرامکانی و فراسنی است، در همهٔ امکانه و ازمنه و سنین، مستحسن است. در آرای محموده نیز اشتغال و همچنین اشتغال کودک در صورت عدم تعارض با مصلحت او، مستحسن است حسن ذاتی دارد. از این رو، به قسمتی از روایات ارزشمند اهل بیت^(ع) که بر اهمیت اشتغال و راهنمایی‌هایی برای کسب روزی حلال مسلمانان تأکید دارد اشاره شده است: - روایتی از پیامبر اکرم^(ص) که هرگاه حضرت به مردی نظر می‌کرد و از او خوشش می‌آمد، سؤال می‌کرد که آیا شغل و حرفه‌ای دارد یا خیر؟ پس اگر می‌گفت: نه، می‌فرمود: از چشم من

افتاد و در نظر من ارزش و جایگاهی ندارد (بروجردی، ۱۳۴۰، ج ۲۲، ص ۱۷۴).

- روایتی از امام باقر^(ع) که فرمودند: دشمن دارم مردی را که نسبت به امر دنیای خود تنبلی کند؛ چون هرکس نسبت به امر دنیای خود تنبلی کند، نسبت به امر آخرت خود هم تنبلی خواهد کرد (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۸۵).

- همچنین پیامبر اکرم^(ص) می‌فرمایند: ملعون است و از رحمت خدا دور است کسی که بتواند کار کند، ولی سربار جامعه باشد (همان، ج ۴، ص ۱۲).

۵. نقش دولت و خانواده در کار کودک

پیدایش کودک کار ناشی از نبود عدالت اجتماعی، تفاوت طبقاتی و میزان فقر خانواده‌ها و عوامل خانوادگی (مانند پایین بودن سطح درآمد خانواده‌ها، پیری و ازکارافتادگی والدین، مرگ والدین، عدم پرداخت هزینه تحصیل اطفال توسط والدین، عدم حضانت یا سوءحضانت اطفال به‌ویژه پس از جدایی والدین از یکدیگر و فقر خانواده)، عوامل اجتماعی (مثل مهاجرت، بیکاری، فقدان امنیت اجتماعی و افزایش جمعیت) (خیرخواهان، ۱۳۷۸)، عوامل آموزشی (از قبیل کم‌سوادی والدین، بی‌توجهی والدین نسبت به آینده اطفال و نگرش منفی آنها نسبت به تحصیل و همچنین عدم دسترسی به فرصت‌های آموزشی و ناتوانی آموزش و پرورش در جذب اطفال، پایین بودن کیفیت تعلیمات آموزشی، عدم پرداخت یا ناتوانی پرداخت هزینه‌های تحصیل) و نیز عوامل قانونی و اجرایی (اعم از نارسایی قانون کار در برخورد جدی با کار اطفال و عدم اجرای قوانین موجود و عدم حساسیت مراجع قانونی و قضایی در قبال جرایم اقتصادی، نگرش سطحی و ضعیف مسئولان قضایی اجرایی و اداری نسبت به پدیده زیان‌بار اشتغال اطفال) و ... (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۷۲، ص ۱۴۴-۱۴۷) به آن دامن می‌زند.

کار کودک پیامدهای منفی فراوانی بر وی باقی می‌گذارد. پیامدهای جسمانی مزبور رشد جسمی کودک را معمولاً به‌صورت مستقیم دچار نقصان می‌نماید. بروز مشکلات تنفسی و قلبی و عروقی، قوای جسمانی، کم‌خونی، ضعف بدن، خواب و استراحت ناکافی از پیامدهای دیگر است (حافظیان، ۱۳۷۶، ص ۲۷).

تکسب، بسیاری از اطفال را از بهره‌گیری از آموزش و پرورش، متوقف و گرفتار پیامد ادراکی

می‌کند. در راستای تداخل اشتغال اطفال با تحصیل و آموزش آنها، قانون اساسی در اصل ۳۰ و قانون تأمین وسایل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳ در ماده ۲ تحصیل و آموزش آنها را رایگان و اجباری اعلام کرده (عظیم‌زاده اردبیلی، ۱۳۷۲، ص ۱۵۱). محیط‌های کاری فشارآور باعث می‌شود که اطفال از زیان روانی بسیاری رنج ببرند؛ تا جایی که ممکن است به اختلال‌های روانی مبتلا شوند. سازمان بهداشت جهانی نیز در سال ۱۹۸۷م در گزارش خود فشار روانی، پیری زودرس، افسردگی، اعتمادبه‌نفس پایین و درد را نشانه‌های معمول در بین مستخدمان کم‌سن‌وسال اعلام کرده است (همان، ص ۱۴۰). علاوه بر این، اطفال به‌لحاظ ورود زودرس و نابه‌هنگام به موقعیت‌های شغلی نامناسب، از نظر اخلاقی و اجتماعی در معرض بهره‌کشی قرار می‌گیرند و در محیط‌های نامناسب شغلی، توان تمیز بین درست و نادرست آنها به‌تدریج کاهش می‌یابد و ممکن است در معرض سوءاستفاده بزهکاران حرفه‌ای و باندهای قاچاق قرار بگیرند (طالبی، بی تا، ص ۱۱). کودکانی که به اشتغال می‌پردازند، از لحاظ مهارت اجتماعی و درک متقابل نیز دچار ضعف هستند. ماندن کودک از طی مراحل جامعه‌پذیری و رشد اجتماعی یکی دیگر از زیان‌های روانی و اجتماعی ناشی از کار کودک است (فطرس و فتحی، ۱۳۹۹، ص ۱۸۶).

در نهایت، آنکه بسیاری از کودکان کار برای تأمین هزینه‌های خود و کمک به اقتصاد خانواده به کار زودهنگام روی بیاورند؛ لیکن کار زودهنگام کودک معمولاً کمک به بهبود وضعیت اقتصادی خانواده در طولانی‌مدت نخواهد کرد و کودکانی که در سنین پایین، وارد نیروی کار می‌شوند، قادر به کسب درآمد بالاتری در آینده نخواهند بود.

جهت کاهش پیامدهای مزبور، راهکارهای چندی وجود دارد که برخی از این راهکارها عبارت‌اند از: «راهکارهای اقتصادی» که بر بهبود اقتصاد جامعه و خانواده تأکید کرده، در تلاش برای فراهم آوردن امکانات اقتصادی و اشتغال برای تمامی افراد جامعه و خانواده هستند؛ مثل سیاست‌های ایجاد اشتغال، ایجاد کارگاه‌های اشتغال و آموزش، ایجاد اردوگاه‌های کار در جامعه، کاهش فاصله طبقاتی و میزان فقر در جامعه؛ «راهکارهای آموزشی و پژوهشی» برای مشخص شدن وضعیت دقیق متکدیان؛ مثل برآوردهای آماری از وضعیت متکدیان کشور

به منظور برنامه‌ریزی اصولی و اساسی، استفاده از توان علمی و اجرایی تشکل‌های غیردولتی برای سازماندهی متکدیان، فضاسازی فرهنگی و فراهم نمودن بستر فرهنگی و آموزشی یکسان برای خانواده و کودکان؛ راهکارهای مطرح در سطح عوامل اجتماعی و قانونی در قالب تصویب قوانین لازم در راستای فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی، نظارت و برنامه‌ریزی و ایجاد هماهنگی میان سازمان‌ها، همچنین «راهکارهای دینی و فرهنگی» که بر ارزش‌های کار و وجدان کاری تأکید دارند، مثل ایجاد اعتماد نسبت به سازمان‌ها و نهادهای حمایتی دولتی مانند کمیته امداد و بهزیستی، گسترش حمایت از نهاد خانواده (بیات، بی‌تا، ص ۱۴۴-۱۶۷).

۶. نقش دولت در حمایت از کودک کار

وفق ماده ۴۰ آیین‌نامه اجرایی قانون حمایت از اطفال، وزارت بهداشت مکلف است تا خدمات درمانی و بهداشتی رایگان به اطفال و نوجوانانی که از سوی سازمان بهزیستی معرفی شده‌اند، ارائه کند و نسبت به پوشش کامل بیمه سلامت برای تمام اطفال و نوجوانان ساکن ایران به‌ویژه اطفال و نوجوانان در معرض خطر یا تهدید اقدام نماید. همچنین ماده ۴۲ آیین‌نامه ظرفیت بسیار خوبی را جهت ارائه آموزش و اطلاعات همگانی خصوصاً به اطفال و نوجوانان و خانواده آنها در خصوص حقوق آنها و جلوگیری از بهره‌کشی و سوءاستفاده از کودکان فراهم کرده است. سازمان بهزیستی نیز مسئولیت اصلی حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه‌دیده را بر عهده دارد و مکلف است با مشارکت و همکاری تمامی دستگاه‌های اجرایی و همچنین سایر نهادهای حمایتی و با استفاده از مددکاران اجتماعی، نسبت به شناسایی، پذیرش، حمایت، نگهداری و توانمندسازی اطفال و نوجوانان موضوع قانون اقدام کند. طبق مواد ۲، ۴ و ۵ آیین‌نامه، این سازمان موظف به انجام اموری جهت ساماندهی کودکان کار شده است. سازمان‌های مردم‌نهاد نیز که در زمینه حمایت از حقوق کودکان، از جمله کودکان کار فعالیت می‌کنند، طبق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری و قانون حمایت از اطفال و نوجوانان، تکالیفی برای آنان در نظر گرفته شده است. امروزه سازمان‌های مردم‌نهاد خدمات و کمک‌های بسیار وسیعی در اختیار کودکان کار قرار می‌دهند؛ از جمله می‌توان به کمک‌های حقوقی مانند حمایت‌های تقنینی برای تصویب قوانین حمایتی، ارائه مشاوره‌های حقوقی به کودک و نوجوان

برای آگاه‌سازی آنها از قوانین و مقررات و نیز حمایت‌های پزشکی-اجتماعی مانند حمایت روان‌پزشکی و عاطفی از بزه‌دیدگان برای ترمیم و بازسازی روحیه‌شان اشاره کرد (میرکمالی و سروی سرمدانی، ۱۴۰۰، ص ۱۶). نیروی انتظامی نیز مکلف است نسبت به شناسایی اطفال و نوجوانان در وضعیت مخاطره‌آمیز در موارد مراجعه یا معرفی آنان به نیروی انتظامی یا مواجه شدن با آنان در حین اجرای وظیفه یا شکایت از آنان، حسب مورد برای معرفی به سازمان بهزیستی کشور یا مراجع قضایی و انجام حمایت‌های مورد نیاز اقدام کند. همچنین وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موظف به نظارت مؤثر بر اماکن کار جهت پیشگیری و مقابله با آزار و بهره‌کشی از اطفال و نوجوانان است. این وزارت موظف شده است که با معرفی سازمان بهزیستی، نسبت به ارائه آموزش‌های رایگان مهارت‌های شغلی به نوجوانان بالای ۱۵ سال و خانواده اطفال و نوجوانان موضوع قانون از طریق بخش‌های دولتی، غیردولتی و سازمان فنی-حرفه‌ای اقدام نماید و این عمل می‌تواند موجب جلوگیری از بهره‌کشی‌های اقتصادی از کودکان و نوجوانان شود.

یافته‌های پژوهش

بررسی‌ها نشان داده است که اطفال در تمام طیف‌های سنی قربانیان پدیده کودک کار هستند. متأسفانه امروزه شاهد روند روبه‌رشد این پدیده هستیم و برای پیشگیری و جمع‌آوری و ساماندهی این عارضه، قوانین و مقررات داخلی و بین‌المللی متعددی وضع شده است و سازمان‌های دولتی و مردم‌نهاد گوناگونی مکلف به حسن اجرای قوانین حمایت‌کننده از حقوق کودکان و نوجوانان شده‌اند. همچنین منابع و آرای فقهی نیز مؤید ممنوعیت و مذمومیت پدیده کار کودک که بر خلاف مصلحت و سلامت جسمی و روحی طفل است، می‌باشد. از طرفی، کار کودک جنبه دیگری نیز دارد که فقه و قانون موافق با آن هستند و آن فعالیت کودک به‌گونه‌ای است که خلاف مصلحت او نباشد و باعث حرفه‌آموزی و رشد استعدادهای او شود و مانع رشد جسمانی و روانی او نگردد. مع‌الوصف مطابق نظر اکثریت فقها، یکی از شروط تعلق نفقه به فرزند، عدم توانایی تکسب فرزند می‌باشد. لذا کودک که با رعایت غبطه، بتواند تکسب و درآمدزایی کند، نفقه‌اش از اموال خودش تأمین می‌گردد. این رویکرد جنبه جدیدی از کار کودک

را مطرح می‌کند. نتایج مطالعات صورت گرفته در پژوهش نشان‌دهنده این است که فقه و نظام حقوقی ایران نسبت به پدیده کودک کار که معضل اجتماعی است، نگاهی منفی و نسبت به کار کودک در ابعاد ایجابی و حرفه‌آموزی، نگاه مثبتی دارد. با توجه به تدوین و تصویب قوانین و مقررات پیرامون کار کودک و پیوستن به معاهدات بین‌المللی در این زمینه و همچنین وجود آموزه‌های فراوان در منابع اسلامی، وظایف بسیار مهمی بر گردن دولت و خانواده در قبال کودکان و در جهت رشد و تربیت آنان وجود دارد. لذا ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نهادهایی را مکلف دانسته است تا علاوه بر نظارت مؤثر بر اماکن کار، جهت پیشگیری و مقابله با آزار یا بهره‌کشی اقتصادی از کودکان، اقداماتی انجام دهد. متأسفانه عدم وجود نظارت کافی و ضمانت‌اجرایی بازدارنده در حمایت از کودکان کار و وجود خلأهایی در اجرای قوانین و ناهماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط، باعث پیدایش این معضل اجتماعی شده است.

منابع

- قرآن کریم
- ابن سینا، ابوعلی حسین بن عبدالله (۱۳۵۷ق). النجاه. مصر: مطبعة السعادة.
- اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۶). «بررسی مفهوم کودک کار با رویکردی به حوزه کیفری». فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۱۴ (۴۵ و ۴۶)، ص ۵۸-۳۴.
- اصفهانی (فاضل هندی)، محمد (۱۴۱۶ق). کشف اللثام عن القواعد الاحکام. قم: جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
- اقلیما، مصطفی و همکاران (۱۳۸۷). «کودکان کارگر خیابانی و سیاست‌های اجتماعی بایسته». فصلنامه مطالعات سیاسی و اقتصادی، شماره‌های ۲۵۱ و ۲۵۲، ص ۱۸۸-۱۹۵.
- انصاری، قدرت‌الله (۱۳۸۶). موسوعه احکام الاطفال و ادلتها: قارنه تفصیلیه بین مذهب الامامیه و المذاهب الاخری. قم: مرکز فقه ائمه اطهار علیهم السلام.
- ایروانیان، امیر و همکاران (۱۳۹۰). کودک‌آزاری: از علت‌شناسی تا پاسخ‌دهی. تهران: خرسندی.
- باهر، حسین (بی‌تا). «نکاتی پیرامون حقوق جهانی کودک و نوجوان». ماهنامه دادرسی، ۱ (۵ و ۶)، ص ۲۶-۳۲.
- بروجردی، حسین (۱۳۴۰). جامع احادیث الشیعه. تهران: مطبعة المساحه.
- بیات، بهرام (بی‌تا). فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی و جرائم. تهران: معاونت اجتماعی اداره تبلیغات.
- بیگی، جمال (۱۳۸۴). بزهدیدگی اطفال در حقوق ایران. تهران: میزان.

- پیوندی، غلامرضا (۱۳۹۰). حقوق کودک. تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حافظیان، محمدحسین (۱۳۷۶). «کار کودکان». ماهنامه کار و جامعه، شماره ۲۳، ص ۲۳-۳۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷). تفصیل وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- خیرخواهان، جعفر (۱۳۷۸). کار کودکان: هدر رفتن سرمایه‌های انسانی. روزنامه نشاط، ۲۵ مرداد.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه، انتشارات دانشگاه تهران.
- شکوری، علی (۱۳۹۳). «بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی کودکان کار خیابانی؛ مطالعه موردی منطقه ۱۲ تهران». فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی فرهنگی، ۳(۳)، ص ۳۳-۶۰.
- عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی (بی تا، الف)، مسالک الافهام. تهران: مؤسسه معارف اسلامی.
- _____ (بی تا، ب)، اللمعه الممشقیه. نجف: مجمع الفکر اسلامی.
- صالحی، حمیدرضا و اسماعیل‌پور، مائده (۱۳۹۳). «تأملاتی در کودک‌آزاری با رویکردی بر قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱». مجله فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، ۱۹(۶۱)، ص ۱۱۷-۱۴۲.
- طالبی، محمدرضا (بی تا). «محدودیت نسبی کار اطفال در نظام کار». روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱.
- طباطبایی، سید علی (بی تا). الشرح الصغیر، قم: اهل بیت.
- طباطبایی کربلایی، علی بن محمدعلی (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل فی تحقیق الاحکام بالادلة. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). الخلاف. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- _____ (۱۳۶۳). المبسوط. تهران: مکتب المرتضویه.
- طوسی، نصیرالدین محمد بن حسن (۱۳۵۵). اساس الاقتباس. تهران: دانشگاه تهران.
- عظیم‌زاده اردبیلی، فائزه (۱۳۷۲). «پدیده کودکان خیابانی و راهکارهای مقابله با آن». مجله فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، شماره ۳۱.
- حلی (علامه)، حسن بن یوسف (۱۴۱۰ق). ارشاد الأذهان. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- _____ (۱۴۳۰ق). کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- فروزان، فرناز (۱۳۹۰). حقوق کودک در ایران. تهران: جهاد دانشگاهی.
- فطرس، شیما و فتحی، مرتضی (۱۳۹۹). «بررسی معضلات ناشی از کار کودکان در ایران». نشریه مطالعات حقوق کودک، شماره ۴، ص ۱۸۱-۱۹۲.
- قطب‌الدین شیرازی، محمود بن مسعود (۱۳۲۰). درة التاج. تهران: مشکات.

- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۸). دوره مقدماتی حقوق مدنی خانواده. تهران: میزان.
- کرمی، موسی؛ زرنشان، شهرام و زندی، ریحانه (۱۴۰۲). «نکاشی در نسبت میان برخورداری از حق بر آموزش، کسب مهارت‌های زندگی و کاهش خشونت علیه کودکان». مجله فقه و حقوق خانواده، ۲۸(۷۸)، ص ۲۲۹-۲۵۶.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ماندگار، سهراب (۱۳۹۶). «بررسی جنبه حقوقی وضعیت کودکان کار، خیابانی و دستفروش و بی سرپرست». مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه، ۳(۲/۲)، ص ۱۶۷-۱۷۳.
- مظفر، محمدضا (۱۳۸۸ق). المنطق. قم: اسماعیلیان.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ معین. انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۷۸). «بررسی تطبیقی مفهوم مصلحت از دیدگاه امام خمینی و اندیشمندان غربی». مجله حکومت اسلامی، شماره ۱۲، ص ۱۳۸-۱۷۴.
- میرکمالی، علیرضا و سروی سرمیدانی، امید (۱۴۰۰). «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از بزه‌دیدگان با تأکید بر کودکان بزه‌دیده». فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۶(۹۵)، ص ۱-۲۰.
- ناصرزاده، هوشنگ (۱۳۷۸). اعلامیه جهانی حقوق بشر. تهران: جهاد دانشگاهی.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۶۲). جواهر الکلام. قم: جامعه مدرسین قم.
- قانون آیین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲.
- قانون حمایت از کودکان و نوجوانان، مصوب ۱۳۹۹.
- قانون کار، مصوب ۱۳۶۹.
- قانون مدنی.
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون اجازه الحاق دولت ایران به میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۳۵۴.
- قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک، مصوب ۱۳۷۲.
- قانون تصویب کنوانسیون ممنوعیت و اقدام فوری برای محو بدترین اشکال کار کودک و توصیه‌نامه مکمل آن، مصوب ۱۳۸۰.
- قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲.